



اتابک نادری، بازیگر:

رامین سیاردشتی، بازیگر:

خودم را بازیگر کمدی نمی دانم

آقای شبستری یک حسابرس مالیاتی در یک کار کمدی است که شما اینامی کنید در حالی که کمتر پیش آمده شما را در آثار کمدی ببینیم. من خودم را بازیگر کمدی نمی دانم البته بین تجربیاتی که در تلویزیون داشتم تجربه چند کار کمدی وجود دارد اما در تئاتر بیشتر تجربیاتم به سمت و سوی دیگری غیر از کمدی صرف از این جنس که در این نمایش می بینید بوده یعنی در آثاری که رگه هایی از کمدی داشته بیشتر فانتزی و کمدی بوده است. بنابراین اولین بار است که من این جنس کمدی را در تئاتر تجربه می کنم. طبیعتاً کمی سخت است و از طرفی برای هر بازیگری که می خواهد تجارب جدیدی در تئاتر داشته باشد می تواند یک چالش باشد. من سعی کردم با انتخاب لهجه و توجه به آنچه که روی کاغذ آمده بود به آنچه نظر سسینا رازانی بود نزدیک شوم.

خود کاراکتر آقای شبستری که شما بازی می کنید حامل ویژگی های کمدی شخصیت است.

بله این اثر از نظر من کمدی موقعیت و شخصیت به صورت توامان است یعنی کاراکترها و رفتارهای شان هر کدام بار کمیک دارند در عین اینکه در موقعیت های کمدی نیز قرار می گیرند و بار اصلی کمدی کار را موقعیت کمدی به دوش می کشد.

سخن پایانی

این نمایش نتیجه تلاش سسینا رازانی و آقای شاهانی به عنوان تهیه کننده است که حضورشان در این اثر بسیار مهم بود و همه دوستان دیگر و بازیگرانی که در این اثر حضور دارند در این راستا تلاش کردند تا یک کمدی شریف که شایسته اسم کمدی باشد، به دور از هر گونه ابتذال و شوخی های دم دستی روی صحنه برود که فکر می کنم تا حد زیادی این اتفاق افتاده است.

بازیگری همیشه برایم اولویت بوده است

واقعاً مشق تئاتر کردم.

آیا بر داخت روی نقش های کوتاه یا بر داخت روی نقش بلند تئاتری دارید؟

تحلیل نقش به حجم، طولانی یا کوتاه بودن آن مربوط نیست مثلاً در مورد کاراکتر غلامحسین پروانه در این نمایش می دانیم که او برای سالیان سال مأمون روانی و رفیق این زوج بوده که هر زمان قهر می کردند یا دچار چالش می شدند به او پناه می بردند. درست مانند غلامحسین پروانه همه کاراکترها عقبه ای دارند و بازیگر برای نزدیک شدن به نقش از این عقبه استفاده می کند و سختی کار در این است که بازیگر باید در یک صحنه و دیالوگ کوتاه همه این عقبه را نشان دهد و تماشاگر آن عقبه را در آن حضور کوتاه ببیند از سوی دیگر بازتاب این تحلیل در بازی بازیگر و کارگردان اهمیت زیادی دارد چرا که نشان می دهد نقش و اجرا از چه تفکری سرچشمه می گیرد.

مشغله این روزهای شما چیست؟

در حال حاضر در سریال «ناریا» به کارگردانی هادی و جواد افشار که از شبکه اول پخش می شود حضور دارم. همینطور در سریال «آسمون نارنجی» به کارگردانی خانم روشن امینی که در نوبت پخش است و زمان پخش آن هنوز اعلام نشده است. با وجود مشغله های اجرایی و اداری که در زمینه تئاتر داشته و دارم حضور در صحنه به عنوان بازیگر همیشه برایم اولویت داشته و فکر می کنم کار اولم بازیگری است و نمی خواهم از دستش بدهم.

در این نمایش بازیگران نام آشنایی مانند شما نقش های کوتاه تر را بر عهده گرفته اند و به نظر می آید این امر از یک منحنی حرفه ای برمی آید.

فکر می کنم که روال تئاتر همیشه همین بوده و به همین علت است که اساساً سیاه لشکر در تئاتر معنی ندارد و هر یک از بازیگران بخشی از یک نمایش را بر عهده دارند و تعداد صحنه ها و حجم دیالوگشان اهمیتی ندارد و این همان اصلی است که جمله معروف «نقش کوچک و بزرگ نداریم بلکه بازیگر کوچک و بزرگ داریم» به آن اشاره می کند. خود من نیز این روحیه را داشته و دارم همانگونه که در نمایش «ابوبکر محمدی فاطمه محمدی» تنها یک صحنه ۴ دقیقه ای داشتم که اتفاقاً همان زمان مورد توجه منتقدین و بزرگان تئاتری قرار گرفت. می خواهم بگویم که این مسئله نه به منش بازیگر بلکه به خاصیت تئاتر مربوط است که متأسفانه در این سال ها با خاصیت سینما و آثار تصویری قیاس شده در حالی که برای بازیگر یک آفت است چون برای همان نقش کوتاه باز بگر باید سر تمرین بیاید و انرژی بگذارد تا کاراکتر آنگونه که باید سر جایش بنشیند به همین علت فکر می کنم که در این نمایش

الهه شهپرست، بازیگر:

این کاراکتر بین تیپ و شخصیت در رفت و آمد است

مسلط نبود نمی توانست در راه رسیدن به نقش کمک کند. بنابراین نقش از این جهت که قرار بود برای اولین بار در یک کار کمدی بازی کنم برایم بسیار جالب بود و با اینکه این اولین کارگردانی آقای رازانی بود اما به این علت که سال ها در پروژه های مختلف همکاری کرده ایم و روی ایشان شناخت داشتم و به خاطر تسلطی که روی این ژانر دارند به ایشان اعتماد کردم.

آیا آفت را کاملاً کاراکتر در نظر گرفتید یا ترکیبی از تیپ و کاراکتر است؟

من این تقسیم بندی را کمی عجیب می بینم و در نمایشنامه های مدرن، فضاهای معاصر و امروزی و نمایشنامه های رئالیستی شاید نتوان با آن متر و معیار همیشگی و کلاسیک تیپ و کاراکتر به این آثار نگاه کرد. مثلاً بر اساس آن قواعد ما شناختنامه خاصی از کاراکتر آفت نمی بینیم با این حال نمی توان گفت که آفت تیپ است. به نظر من در نهایت باید به نتیجه و آنچه که از یک نقش روی صحنه می بینیم دقت کنیم مثلاً کاراکتر آفت تا حدی یک کاراکتر بیرونی است و شاید این امر سبب شود که مخاطبان آفت را بیشتر تیپ ببینند اما اگر در اطرافمان چنین کاراکتری با چنین ظاهر و اخلاق و رفتاری دیده باشیم میتوان گفت که کاراکتر است و به نوعی می توان گفت که این کاراکتر بین تیپ و شخصیت در رفت و آمد است.

از جذابیت نقش و ویژگی هایی که در آن دیدید بگویید.

تغییراتی که برای ایجاد حال و هوا و فضای ایرانی روی نمایشنامه خارجی «ضیافت شام برای احمق ها» توسط آقای رازانی و آقای نافع آنقدر به شکل درستی انجام شد که چیزی از متن کم نشد و قابلیت هایش از دست نرفت. در همین راستا یکی از نقش هایی که به نظرم خیلی بامزه تر و جالب تر شده بود همین کاراکتر آفت بود که من بازی می کنم حقیقتش من هیچ وقت خودم را خیلی بازیگر نقش های کمدی ندیدم به همین علت تقریباً برای من یک چالش بود و اگر کارگردان اثر به بازیگری

